

Handwritten Arabic calligraphy, likely a signature or a stylized word, featuring thick black lines and several dots.

1.2.9

۸۷/۱/۱۰۶۴۹
۸۷/۱۷۸

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات و زبان های خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه دین

بررسی جایگاه عقل و ایمان در فلسفه دکارت

هادی زارع مهرجردی

استاد راهنما:

دکتر علی افضلی

استاد مشاور:

دکتر سید صدرالدین طاهری

تیر ۱۳۸۷

۱۰۵۳۹۹



فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه‌ها

کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی جایگاه عقل و ایمان در فلسفه‌ی دکارت	
نویسنده: هادی زارع مهرجردی	
استاد راهنما: دکتر علی افضلی	استاد مشاور: دکتر سید صدرالدین طاهری
استاد داور: دکتر حمید رضا آیت اللهی	
کتابنامه: ندارد	واژه نامه: دارد
نوع پایان نامه: بنیادی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۸۶-۸۷
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی	
تعداد صفحات: ۱۵۰	گروه آموزشی: فلسفه
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: عقل - ایمان - اصالت عقل - اصالت ایمان	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:	Reason- Faith – Rationalism- Fideism

چکیده

الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): دکارت بنیان گذار اصالت عقل جدید و مروج آن شناخته شده است؛ و فلسفه‌اش تاثیر بسیار زیادی بر فیلسوفان بعدی دارد چه فیلسوفان عقل گرا و چه تجربه گراهایی که سعی در رد تعالیم او داشتند. امری که در مورد دکارت کمتر مورد توجه و دقت واقع شده است وجود ویژگی های کلامی در اندیشه‌ی این فیلسوف است که سبب شده تا نتوان فلسفه‌اش را به صورت محض عقلی دانست. رابطه‌ی عقل و ایمان در فلسفه‌ی او دکارت و این مطلب که عقل تا چه اندازه حوزه‌ی خود را از حوزه‌ی ایمان تفکیک کرده است و اینکه جایگاه ایمان در فلسفه‌ی عقلی دکارت چیست موضوعی است که در این رساله به آن پرداخته شده است.

ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع؛ چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها: منبع اصلی این تحقیق کتاب اعتراضات و پاسخها می باشد؛ همچنین کتب فارسی صاحب نامی که در زمینه‌ی فلسفه‌ی دکارت نگارش شده است و از چند منبع لاتین استفاده شده است. اینکه رابطه‌ی عقل با ایمان در فلسفه‌ی عقلی دکارت چیست و آیا دکارت از ایمان در فلسفه‌اش بهره برده است و جایگاه ایمان در فلسفه‌اش چیست از سئوالات اساسی پژوهش می باشد. همچنین به این پرسش که استقلال عقل تا چه حد است و تا چه حد می توان به آن اعتماد کرد نیز پرداخته شده است.

پ: روش تحقیق: به منظور نگارش این رساله به رابطه‌ی عقل و ایمان در فلسفه‌ی قبل از دکارت مخصوصا در دوره‌ی قرون وسطی و رنسانس به دلیل تاثیراتی که داشتند پرداخته شده است. اینکه عقل در فلسفه‌ی دکارت به چه معناست و هم چنین جایگاه ایمان در فلسفه‌ی او چیست دو پرسش اساسی در این پژوهش است که هر کدام در بخشی مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. رساله از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش اول با عنوان اصالت عقل در دکارت به جایگاه عقل در فلسفه دکارت اختصاص دارد و بخش دوم با عنوان الهیات دکارت مختص مباحث ایمانی او و شان و جایگاه آنها می باشد. نتیجه گیری و پیشنهادات: سعی دکارت کشف دوباره‌ی قضایای گذشته بود بدین معنی که صدق آنها به نحو منظم و با قاعده مورد اثبات عقلی قرار گیرد. به همین دلیل تاکید او بر عقل بود و سعی می کرد تا در این راه تنها از روش عقلی استفاده کند نه از روش نقلی و روایی. او به تمایز میان عقل و ایمان معتقد بود که این تمایز هم در منشا آنها بود (ایمان بر پایه‌ی تعلیمات کتاب مقدس است و فعل آن مختص اراده است) و هم در روش آنها (روش عقل استدلالی و گام به گام است در حالیکه روش ایمان نقلی است و وصول به حقیقت توسط آن دفعتا رخ می دهد).

عقلانیتگری در فلسفه برای دکارت بسیار مهم بود به همین دلیل او ذهن خود را متوجه‌ی این اصل کرده بود و تعارض میان دو حوزه‌ی عقل و ایمان را نمی پذیرفت و به یک تمایز میان این دو باور داشت. او عقل و ایمان را دو حوزه‌ی مستقل معرفتی می دانست. عقل و ایمان در نظرگاه دکارت دو طریق متفاوت نظر به حقیقت اند و ایمان در فلسفه‌ی او جایگاهی والا دارد سعی دکارت بر این است تا با تمایز نهادن میان این دو و حفظ استقلال فلسفه از الهیات از بروز تنش و تعارض میان آنها جلوگیری کند. در دیدگاه او حقایق ایمانی و وحی الهی مرتبه‌ای از حقیقت است که ورای عقل است ولی پذیرفتن آنها متعارض با عقل و غیر عقلانی نیست.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: علی اوصی احمدی

سمت علمی:

نام دانشکده:

رییس کتابخانه:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان مطالب
	مقدمه
۲	معانی عقل و ایمان
۵	رابطه‌ی عقل و ایمان
۱۰	دیدگاه‌ها در رابطه‌ی عقل و ایمان
۱۲	سیر تاریخی رابطه‌ی عقل و ایمان
۱۳	قرون وسطی
۲۲	رنسانس
۲۶	مدرنیسم
۲۸	پست مدرنیسم

بخش اول: اصالت عقل در دکارت

۳۱	۱-۱ تاثیر رنسانس بر فلسفه‌ی دکارت
۳۴	۱-۲ دکارت و فلسفه‌ی جدید
۳۷	۱-۳ تاثیر ریاضیات بر فلسفه‌ی دکارت
۴۵	۱-۴ اهمیت و ماهیت روش دکارت
۵۱	۱-۵ شک گرایی
۵۴	گونه‌ها و نمونه‌های شک
۵۶	۱-۶ چگونگی شک روشی و حصول به یقین

۶۸	۱-۷ یقین آگوستین و شک دکارتی
۷۲	۱-۸ ماتریالیسم در آرا دکارتی
۷۳	- نفی علت غایی
۷۶	- تبیین مکانیکی حیات
۸۰	۱-۹ خود بنیادی فهم در افکار دکارت
۸۵	۱-۱۰ اصالت عقل دکارتی

بخش دوم: الهیات دکارت

۱۰۰	۲-۱ دکارت به عنوان مامور شورای لاتران
۱۰۶	۲-۲ خدا در فلسفه دکارت
۱۰۸	۲-۳ خلقت خداوندی
۱۰۹	۲-۴ خدا و ضمانت شناخت
۱۱۶	۲-۵ فریب کار نبودن خدا
۱۲۲	۲-۶ ماهیت خدای دکارتی
۱۳۰	۲-۷ عقل و ایمان
۱۴۲	نتیجه گیری
۱۴۴	فهرست منابع
۱۴۸	واژه نامه
۱۵۰	چکیده انگلیسی

پیش گفتار

آنچه در این رساله آمده است برگرفته از نوشته‌های دکارت و هم چنین شرح‌هایی است که بر آن نگاشته شده است و به یقین یکی از مهمترین آثار دکارت کتاب اعتراضات و پاسخ‌ها می‌باشد که زوایای مبهم اندیشه‌ی او در آن روشن شده است و بیانگر آرای است که دکارت در تاملات نتوانسته است به دلیل ایجاز به خوبی بیان کند به همین دلیل او از خواننده‌ی تاملات تقاضا می‌کند درباره‌ی آن قضاوتی نکند مگر بعد از خواندن اعتراضات و پاسخهای به آن. علاوه بر این اهمیت این کتاب به دلیل بیان فضای فکری و فرهنگی عصر دکارت است و فهم فلسفه‌ی دکارت بدون ارجاع به این کتاب مسلماً میسر نیست چون دکارت علاوه بر تبیین آموزه‌هایش در این کتاب به رفع ابهامات و سوءفهم‌ها نیز پرداخته است. از آنجا که موضوع این رساله به صورت مستقیم کمتر در فلسفه‌ی دکارت و همچنین آثارش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در این کتاب به این موضوع در جاهای گوناگون پرداخته شده و همچنین به دلیل ترجمه‌ی دقیق و در عین حال روان و شرح مبسوط فارسی توسط مترجم محترم، اعتراضات و پاسخها در این رساله به عنوان مرجع و منبع اصلی تحقیق می‌باشد.

در اینجا بیشترین مراتب سپاسگذاری و تشکر خود را از جناب دکتر افضل‌ی که قبول زحمت کردند و این رساله با راهنمایی ایشان انجام شد را دارم.

زندگی و آثار فلسفی رنه دکارت

«رنه دکارت» در ۳۱ مارس ۱۵۹۶م. در شهر «لاهِه» متولد شد. وی چهارمین فرزند و سومین پسر «ژواکیم دکارت» است. ژواکیم عضو، مشاور پارلمانی بریتانی و قاضی دیوان عالی آنجا بود.

خانواده و خویشاوندان رنه دکارت از اشراف، نجبا و تحصیل کرده بودند. پدرش قاضی و پدر بزرگ و جد پدری اش طیب بودند. پدر بزرگ مادری اش در شهر «پواتیه» پست و مقامات عالی داشت و همین طور سایر بستگان مادری اش در امور قضایی صاحب منصب و مقام بودند. «پیر» برادر بزرگ رنه نیز به حرفه قضاوت مشغول بود. رنه در هشت سالگی به دانشکده شهر «لافلش» فرستاده شد. این شهر در «آنژه» و در کنار رودخانه «لوار» در فرانسه واقع شده است. کالج لافلش یکی از مشهورترین دانشکده‌ها و مدارس فرانسه است. این مدرسه را گروهی از کاتولیک‌ها که به عیسویان یا یسوعیان شهرت داشتند برای تحکیم مذهب کاتولیک و مقابله با مذهب پروتستان تاسیس کردند. دانشجویان دانشکده‌ی لافلش برای فارغ التحصیل شدن باید نه دوره‌ی درسی را با موفقیت به اتمام می‌رساندند. از دوره‌های نه‌گانه، چهار دوره دستور زبان اعم از یونانی و لاتینی، یک دوره‌ی علوم انسانی، یک دوره علم بیان و فن سخنوری، دو دوره فلسفه و یک دوره الهیات اخلاقی بود. دانشجویان موظف بودند در سال دوم از دو دوره‌ی سه ساله فلسفه روزی چهل و پنج دقیقه علوم ریاضی را زیر نظر «کریستوفر کلاویوس» که یکی از آباء فرانسیسی انجمن عیسی بود فرا بگیرند.

دکارت پس از هشت سال تحصیل علوم مختلف و تلمذ در محضر اساتید یسوعی، ترک تحصیل کرد و به تالیف رساله‌ای به نام «شمشیر بازی» مشغول شد، وی در این رساله به شرح تکنیک‌ها و روش‌های گوناگون شمشیر بازی پرداخت و رموز غلبه بر حریف را به خواننده‌ی رساله تعلیم و آموزش می‌دهد.

وی پس از ترک تحصیل از مدرسه‌ی لافلش در سال ۱۶۱۲م. در شانزده سالگی توسط پدرش برای تحصیل در رشته‌ی حقوق به دانشگاه پواتیه فرستاده شد. رنه پس از چهار سال تحصیل در سال ۱۶۱۶م. در بیست سالگی با مدرک کارشناسی حقوق فارغ التحصیل شد، اما بر خلاف پدر و برادرش هرگز به وکالت و قضاوت نپرداخت. وی در این سن، علم مدرسه‌ای و تحصیل علوم از طریق معلمان و اساتید را یکسره کنار نهاد و بر آن شد که تنها از کتاب نفس خود یا کتاب بزرگ عالم فرا بگیرد، به عبارت دیگر مطالعه کتاب

تدوینی را رها کرد و به سیر در آفاق و انفس و مطالعه‌ی تکوینی پرداخت و به همین منظور شروع به مسافرت به خارج از فرانسه کرد.

دکارت در سال ۱۶۱۸م. به کشور هلند مسافرت کرد انگیزه‌ی او از مسافرت به این کشور شاید این بود که در آن زمان هلند تنها کشور اروپایی بود که در آن آزادی اندیشه و تفکر وجود داشت. زیرا هلندی‌ها اهل تسامح بودند. دکارت به عنوان افسر بدون حقوق در ارتش شاهزاده «اورانژو» تحت فرماندهی شاهزاده «موریس ناسایویی» فرمانده ارتش هلند ثبت نام کرد و در حدود بیست سال در هلند اقامت کرد. وی در نوامبر ۱۶۱۸م. با یکی از ریاضی‌دانان هلندی به نام «ایزاک بیکمان» به طور اتفاقی در یکی از خیابان‌های شهر «بردای» هلند آشنا شد. این حسن تصادف زمانی رخ داد که دکارت اعلامیه‌ای را روی دیوار دید که حاوی مسئله‌ای ریاضی بود و از خوانندگان آن خواسته شده بود تا مسئله را حل نمایند. دکارت از آنجا که زبان هلندی نمی‌دانست از کسی که مشغول خواندن اعلامیه بود خواست محتوای آن را برای او ترجمه کند، بیکمان تقاضای دکارت را با این شرط پذیرفت که او مسئله را حل کند و به خانه‌اش بیاورد. دکارت مسئله را با روشی بی نظیر و راه حلی کاملاً مبتکرانه و بدیع حل کرد و آن را نزد بیکمان برد. وی با مشاهده‌ی راه حل دکارت در حل مسئله او را به اشتغال به علم ترغیب و تشویق نمود.

دکارت پس از آشنا شدن با بیکمان و هنگامی که در بردای هلند اقامت داشت اثر دوم خود یعنی «رساله‌ای در موسیقی» را نوشت و آن را به بیکمان اهدا کرد. رساله‌ی مزبور پس از وفات دکارت به چاپ رسید. وی در سال ۱۶۱۹م. مقام افسری و خدمت در ارتش موریس ناسایویی را رها کرد و به آلمان رفت و به ارتش «ماکسیمیلان باواریا» پیوست. او یکی از ۲۳ نفر سربازی شد که برای مشاهده و حضور در مراسم تاج گذاری امپراتور «فردیناند دوم» در «فرانکفورت» انتخاب شد، اما زمستان سرد و خشک باواریا او را در «نورگ» نزدیک «دانوب» متوقف کرد. از این رو مجبور شد در اتاقی بسیار گرم و به قول خودش اجاق یا بخاری محبوس شود. دکارت در آن اتاق گرم توانست با خود خلوت نموده و در کنار آتش به تفکر بپردازد.

دکارت در شب دهم نوامبر ۱۶۱۹م. سه رویای متوالی دید، رویاهایی که سراسر تفکر غربی را متحول ساخت. در رویای اوّل گردبادی را می‌بیند که قصد دارد او را از جا بکند. اما دکارت سعی می‌کند از خشم گردباد به مدرسه‌ی لافلش پناه ببرد در این هنگام وی بر می‌گردد تا با کسی احوال‌پرسی کند ولی باد ناگهان او را به دیوار کلیسا می‌کوبد سپس ندایی از حیاط کلیسا به گوشش می‌رسد. دکارت پس از بیدار

شدن از این که مبادا روحی شیطانی این صحنه‌ها را در ذهن او القا کرده باشد تا دو ساعت هراسان و نگران بود. در رویای دوّم غرش هراس انگیز رعد و برقی به گوش او رسید سپس خود را در اتاقی که محصور در شعله‌های آتش بود محبوس و اسیر دید. در رویای سوّم دکارت یک دائره المعارف و یک کتاب شعر را روی میز خود می‌بیند. این خواب برخلاف خواب‌های اول و دوّم آرام بود اما روشن و واضح نبود.

وی پس از بیدار شدن از خواب سوّم به تعبیر خواب‌های خود پرداخت. زیرا وی به خواب‌های خود اعتقاد و اعتماد داشت، از این رو دائره المعارف را به متحد ساختن علوم و کتاب شعر را به منظم ساختن فلسفه به حکمت عملی تعبیر کرد او در تعبیر مجموع رویاهای سه‌گانه می‌گوید: «روح حقیقت او را برگزیده و حتی از او خواسته است که همه علوم را به صورت علم واحدی در آورد و نیز روح حقیقت او را مأمور کرده است تا علم و معرفت بشری را آن چنان بازسازی کند که مانند ریاضیات دارای قطعیت مطلق و بدون چون و چرا گردد.»

دکارت پس از خواب سوّم سوگند خورد که تمام عمر را وقف علم و صرف مطالعه و تحقیق نماید و به شکرانه رسالتی که روح حقیقت بر عهده‌ی او گذارده بود نذر کرد به زیارت معبد «لورتو» برود.

دکارت از سال ۱۶۱۹م. تا سال ۱۶۲۳م. به اکثر کشورهای اروپایی از جمله آلمان، هلند، دانمارک، لهستان و ایتالیا سفر کرد و در سال ۱۶۲۳م. به هنگام سفر به ایتالیا به زیارت «خانه‌ی مقدس» در لورتو رفت تا نذرش را ادا کند. وی پس از زیارت معبد لورتو به رم و فلورانس رفت و در سال ۱۶۲۵م. از راه آلپ وارد فرانسه شد وی زندگی در فرانسه را باب طبع خود نیافت و در سال ۱۶۲۸م. به هلند رفت و تا سال ۱۶۴۹م. در آنجا ماند.

دکارت در سال ۱۶۲۸م. و یا ۱۶۲۹م. کتابی موسوم به «قواعد هدایت ذهن» را نگاشت اما این کتاب پس از وفاتش منتشر گردید. کتاب مزبور درباره‌ی قواعد روش دکارت در تحصیل علم و معرفت نگاشته شده است و حاوی ۲۱ قاعده درباره‌ی روش هدایت و ارشاد ذهن آدمی در تحصیل علم و معرفت است. کتاب مزبور نخستین اثر مهم دکارت است، اما وی از تکمیل و چاپ آن به دلیل تفصیل قواعد و دشواری تعلیم و تعلمشان منصرف شد.

وی در سال ۱۶۳۰م. تالیف کتاب «رساله‌ای درباره‌ی عالم» را آغاز کرد و در سال ۱۶۳۴م. به پایان رسانید و آنرا برای چاپ و نشر به چاپخانه فرستاد اما چون شنید که گاليله در ایتالیا به سبب فعالیت‌های علمی متهم به کفر شد از چاپ آن منصرف گردید این کتاب پس از وفات وی منتشر شد.

دکارت در سال ۱۶۳۷م. کتابی به نام «گفتار در روش به کاربردن صحیح عقل» و «پژوهش حقیقت علوم» را همراه با سه رساله «در باره‌ی علم مناظر و مرایا»، «آثار علویه» و «هندسه» منتشر کرد. کتاب مزبور مهم‌ترین و نخستین اثر فلسفی به زبان فرانسوی است اهمیت آن از این لحاظ است که اولاً: دکارت زندگی‌نامه و سیر اندیشه‌ی خود را بیان می‌کند و ثانیاً به شرح مبانی و اصول فلسفی خود می‌پردازد. وی در سال ۱۶۳۹م. دست به تالیف مهم‌ترین اثر خود بلکه مهم‌ترین اثر در طول قرن هفدهم یعنی «تاملات در فلسفه‌ی اولی» به زبان لاتین زد. وی در این کتاب با سبکی کاملاً بدیع و نو به استخراج و استنتاج هستی و چیستی نفس، وجود خدا، ماهیت خطا، هستی و چیستی ماده و ترابط، تعامل و تمایز نفس و بدن از درون خود می‌پردازد. وی رساله‌ی مزبور را قبل از چاپ برای اظهار نظر نزد اساتید دانشکده‌ی الهیات دانشگاه سوربون فرانسه و برخی دیگر از علما و اندیشمندان فرستاد تا اگر اعتراضی به محتویات آن دارند برای وی ارسال کنند آنها نیز درخواست دکارت را اجابت کردند و اعتراضات خود را برای او فرستادند دکارت نیز پاسخ‌هایی به اعتراضات آنها نوشت و برایشان ارسال کرد.

دکارت در سال ۱۶۴۰م. رساله‌ی «تاملات در فلسفه‌ی اولی» را همراه با شش مجموعه از اعتراضات و پاسخ به اعتراضات به زبان لاتین در فرانسه چاپ و منتشر کرد.

مجموعه‌ی اوّل شامل اعتراضات «کاتروس» متکلم هلندی، مجموعه‌ی دوم شامل اعتراضات گروهی از متکلمان و فلاسفه، مجموعه سوم حاوی اعتراضات پانزده گانه «توماس هابز» فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی، مجموعه‌ی چهارم شامل اعتراضات «آنتوانی آرلوند» فیلسوف و متکلم فرانسوی، اعتراضات پیرگاسندی کشیش فرانسوی است. دکارت در ۱۶۴۲م. رساله‌ی «تاملات در فلسفه‌ی اولی» را همراه با مجموعه هفتمی از اعتراضات «پیر بوردین» متکلم یسوعی و پاسخ‌های دکارت به اعتراضات وی و نیز نامه-اش به پدر «ذانیه» استاد یسوعی مدرسه لافلش منتشر کرد.

رساله‌ی فوق در ۱۶۴۲م. توسط «دوک دولوتس» به زبان فرانسوی ترجمه شد و دکارت در سال ۱۶۴۴م. کتاب اصول فلسفه را به زبان لاتین منتشر ساخت. کتاب مزبور توسط «آبه کلود پیکو» به فرانسوی ترجمه شد و دکارت پس از اصلاحاتی آن را در سال ۱۶۴۷م. منتشر ساخت.

کتاب اصول فلسفه شامل چهار بخش و هر بخش شامل تعدادی اصل می‌باشد: بخش اول درباره‌ی اصول معرفت انسانی و شامل ۷۶ اصل، بخش دوم درباره‌ی اصول اشیای مادی و حاوی ۲۵ اصل، بخش سوم درباره‌ی جهان مرئی و شامل ۱۷۵ اصل و سرانجام بخش چهارم درباره‌ی کره زمین و شامل ۲۰۷ بخش می‌باشد. دکارت در سال ۱۶۴۹م. به خواست یکی از دوستانش رساله‌ای موسوم به «انفعالات نفس» را تألیف کرد و در همان سال منتشر شد این کتاب شامل سه بخش و هر بخش شامل تعدادی بند می‌باشد: بخش اول درباره‌ی تعداد و تربیت انفعالات به طور کلی و در ضمن کل طبیعت انسان و شامل پنجاه بند و بخش سوم درباره‌ی انفعالات خاص و شامل ۲۱۲ بند می‌باشد. دکارت رساله‌ای به نام «پژوهش حقیقت در پرتو طبیعت» تألیف کرده است. رساله‌ی مزبور ناتمام است و ترجمه‌ای از آن به زبان لاتین در سال ۱۷۰۱م. منتشر شد.

دکارت با انتشار آثار خود به شهرت رسید به طوری که «شاهزاده کریستینا» ملکه ۲۳ ساله‌ی سوئد پس از این که یکی از کتاب‌های دکارت را مطالعه کرد شیفته‌ی فلسفه او شد و تصمیم گرفت برای یادگیری فلسفه دکارت او را به «استکهلم» دعوت نماید. ملکه سوئد برای رسیدن به مقصد خود یک کشتی جنگی برای آوردن دکارت به هلند فرستاد اما دکارت به دلیل ضعف مزاج از رفتن امتناع ورزید اما در دعوت دوم ملکه و اصرار او، سفر به سوئد را پذیرفت و در سال ۱۶۴۹م. با کشتی‌ای که برای بردن وی آمده بود به طرف استکهلم حرکت کرد. وی در ظرف دو هفته رفت و آمد در دربار ملکه بر اثر سرمای شدید زمستان سوئد سرما خورد و به ذات‌الریه مبتلا شد و در ۱۱ فوریه ۱۶۵۰م. در ۵۴ سالگی وفات یافت.

مقدمه

اگر بگوییم که موضوع رابطه‌ی عقل و ایمان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین موضوعاتی است که تاکنون در فلسفه مطرح شده است سخنی به گزاف نگفته‌ایم، این مساله با عناوین مختلفی چون رابطه‌ی علم و دین، الهیات و فلسفه، عقل و دین و عقل و اعتقاد دینی در اندیشه و آرای فلاسفه ملاحظه می‌شود.

آیا عقل در قلمرو دین جایی دارد؟ جایگاه و نقش آن در قلمرو دین چیست؟ آیا نقش عقل در مقام تعلیم و فهم گزاره‌های دینی است یا عقل در مقام تبیین نیز نقش دارد؟ نقش ایمان در دین چیست؟ فرآیند ایمان آوردن دارای چه مراحل است؟ آیا ایمان متکی بر عقل است یا آن که دل دلیلی خاص خود دارد که عقل آن دلایل را نمی‌شناسد؟ آیا برای ایمان همان ادله‌ی دل کافی است؟ تا چه اندازه باید ایمان را عقلانی کرد و اصلا تا چه اندازه می‌توان بر عقل اعتماد کرد؟ آیا عقل و ایمان جمع شدنی‌اند؟ این مسائل و مسائل دیگری که از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و الهیدانان بوده است از اهم مسائل فلسفه دین معاصر به شمار می‌رود. دیرینه پای بودن این مسائل آن را از محور توجه قرار گرفتن نینداخته است و پاسخ‌های داده شده به آن نیز هر آینه مورد بازنگری و تأمل دوباره قرار گرفته و می‌گیرند. هر نسل از نو این مساله را مورد کاوش قرار می‌دهد و پاسخ‌های ویژه خود را به آن می‌یابد زیرا ایمان از حیاتی‌ترین مسائل بشری است که با همه وجود انسان سر و کار دارد و کل هستی او را تحت‌الشعاع خود

قرار می‌دهد. عقل نیز ابزار سنجش و ارزیابی انسان است. بنابراین هر نسل حق دارد پاسخ مساله خود را بیابد و در این‌باره از آرای پیشینان خود نیز بهره می‌جوید و درباره مساله عقل و ایمان و ابعاد آن روشن‌تر می‌اندیشد. ارتباط میان این دو حوزه هنوز هم در پیشانی مباحث فلسفی و الهیاتی قرار دارد. زندگی انسان به ایمان و عقل هر دو نیاز دارد بدون ایمان زندگی پوچ و بی معنی و خالی از امید می‌شود و بدون عقل زندگی خرافاتی و باطل می‌گردد، بدون ایمان ارزش از دست می‌رود و بی‌هدفی نتیجه می‌شود و بدون عقلانیت معیارهای کمال قابل دستیابی نمی‌شوند و اهداف دلخواهی می‌گردند.

معانی عقل و ایمان

الف: عقل

عقل مصدر است و در اصل لغت به معنای منع و نهی و جلوگیری است آنچه در انسان عقل گفته می‌شود به همین معناست زیرا عقل، انسان را از رفتن به سوی زشتی و پلیدی باز می‌دارد. بنابراین وظیفه‌ی عقل بازداشتن و منع و جلوگیری از خرابی و بدی است. عقل نیروی ادراک آدمی است که هم به کار فهم می‌آید و هم استدلال‌گر است، همچنین عقل نیروی نقاد نیز هست. شهود حقایق عقلانی مانند بدیهیات اولیه و اصول ریاضیات و منطق نیز از کارهای عقل است.

در لاتین دو کلمه **Ratio** و **Intellectus** به معنای عقل به کار رفته است، اولی بر عقل جزئی یا استدلال‌گر اطلاق شده و دومی بر عقل کلی و شهودگر، البته این استعمال‌ها مطلق نیست و هر یک به معنای دیگری نیز به کار رفته است. فرهنگ بزرگ وبستر در معانی متعددی که برای واژه **Reason** آورده است بیشتر به عقل استدلالی و توجیه کننده و مبنا و

پایه‌ی پذیرش اندیشه‌ها و مانند آن اشاره کرده است. این کلمه به خود استدلال و دلیل نیز اطلاق شده است. **Intellect** نیز برای عقل فعال، قدرت فهم در برابر اراده و احساس، وجه نامیرای روح انسان که قدرت تفکر دارد و ... به کار رفته است. کلمه‌ی دیگری که در قدیم به کار می‌رفته و اینک تا حد زیادی مهجور مانده است **Nous** است. **Nous** به معنای اصل عقلانی هدف‌دار حاکم بر طبیعت است که قوانین و نظم طبیعت از آن ناشی می‌شود. این کلمه به معنای عقل اول یا عقل اعلی و نیز گاهی در معنای عقل انسانی به کار رفته است. گاهی نیز به معنای عقل شهودگر (**Intellect**) به کار رفته است. در فلسفه، عقل را به دو معنای کلی به کار برده‌اند، در یکی از این دو معنا عقل موجودی است مجرد که هم ذاتا مجرد است و هم در عمل و فعل مجرد و بی‌نیاز از ماده است. در کاربرد دوم عقل یکی از قوای نفس انسان است و در برابر حس و خیال و وهم قرار دارد. این عقل قادر به ادراک کلیات و مجردات است بنابراین عقل مدرک مجردات است.

واژه‌ی **Rationalism** از ریشه‌ی لاتینی **Ratio** است و در فارسی با برابرنهاده‌های عقل‌گرایی، اصالت عقل، خرد باوری و از این قبیل به آن اشاره می‌شود. این واژه در فلسفه در برابر اصطلاح تجربه‌گرایی قرار می‌گیرد و به معنای آن است که هر امری در مورد حقایق اساسی عالم را می‌توان به وسیله‌ی عقل تبیین کرد هم‌چنین عقل‌گرایی در برابر ایمان‌گرایی قرار دارد و به معنای آن است که عقل بر ایمان تقدم دارد و کلیه اصول و حقایق دینی بر مبنای عقل اثبات می‌پذیرند نه آن‌که بر مبنای ایمان استوار باشند.

اما معنای عقل در قلمرو ایمان چیست؟ آیا عقل چنان‌که امروزه ما در محاورات خود به کار می‌بریم همان مفهومی است که در روش علمی یا محدودیت منطقی و نتیجه‌گیری‌های امانی

و فنی است؟ و یا عقل به هر چیز معنادار، دارای اصول و هدف‌دار در مقابل پوچ و بیهوده اطلاق می‌شود؟

دیوید ای. پیلین در کتاب مبانی فلسفه دین، شأن، اعتمادپذیری و ماهیت عقل را مورد بررسی قرار می‌دهد. او برای عقل دو مولفه استدلال و شهود را نام می‌برد. از نظر وی استدلال به روش‌هایی مربوط می‌شود که به کمک آن‌ها می‌توانیم به نحو قانع‌کننده از مقدمات یا شواهد به نتایج راه ببریم. اما شهود، درک بی‌واسطه‌ی حضوری است که در همه فرایندهای استدلالی به کار می‌آید.

با شهود است که اولاً مقدمات معتبر و شواهد مهم را می‌شناسیم و ثانیاً اعتبار پیوندهای میان مراحل مختلف یک دلیل را درک می‌کنیم، و ثالثاً درباره قوت نتیجه‌ی حاصل از یک استدلال به داوری می‌پردازیم. (پیلین، ۱۳۸۳، صص ۹۸-۹۲)

او سپس به این موضوع می‌پردازد که عقل به چه صورت‌هایی در فهم الاهیاتی به کار می‌آید و برای این پرسش هفت صورت پیشنهاد می‌دهد که به نحو خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

نخستین نقش عقل استخراج لوازم باورهای دینی است. در این مسیر عقل می‌تواند ابزاری را برای کشف آنچه در پذیرش یک ایمان خاص دخالت دارد به دست دهد برای مثال اصل بنیادین ایمان خدا باورانه را در نظر بگیرید باور به این که خدایی وجود دارد که سزاوار پرستش است، تامل عقلانی می‌تواند بررسی کند که اگر کسی سزاوار پرستش باشد چه پیامدهایی را به دنبال دارد. نقش دوم عقل که به موازات نقش اول است، از باورهای دینی آغاز نمی‌شود بلکه ناشی از پیش‌های عقلانی نسبت به امر غایی به مثابه‌ی موضوع ایمان دینی است و به گونه‌ای مشابه در پی بیرون کشیدن لوازم آنهاست. نقش سوم عقل تحقیق در سازگاری و بنابراین شرح ناسازگاری‌های میان آنچه لازمه‌ی ایمان است و آنچه مندرج در فهم الاهیاتی است می‌باشد.

نقش عقل در چنین مواردی مضاعف و دوگانه است، نخست آن که عقل تناقض میان پذیرفته-های ایمان و مندرجات باورها را که بنا بر فرض بیانگر ایمان است خاطر نشان می‌سازد. دوم آن که عقل در پی بیان این نکته بر می‌آید که چگونه می‌توان بر این مشکل فائق آمد. نقش چهارم عقل تجدید نظر و تصحیح چیزی است که به عنوان لوازم باور و شناخت‌های عقلانی از امر غایی دانسته شده است. نقش پنجم در فهم الاهیاتی تلاش برای آشتی دادن و همساز کردن آموزه‌های الاهیاتی است که واقعا یا ظاهرا با یکدیگر ناسازگارند. این کاربرد عقل در قرون وسطی رواج تام داشت. نقش ششم عقل موجه و قابل قبول کردن فهم الاهیاتی برای اندیشه‌ی رایج است به این طریق که نشان دهد فهم الاهیاتی با آنچه صور دیگر ادراک، آنرا خصلت ابعاد مختلف واقعیت معرفی می‌کند سازگار است و حتی بهتر با آن پیوند می‌خورد و به آن‌ها معنا می‌بخشد. نقش هفتم در تفکر درباره این تاسیس راه‌هایی برای توجیه مدعای ایمان است تا به این وسیله درک درستی از سرشت نهایی واقعیت فراهم آید. این فعالیت عقل را گاهی دفاعیه نویسی خوانده‌اند. (همان، صص ۹۸-۱۰۶)

ب: ایمان

یونانیان در مقابل ایمان واژه *Doxa* را بکار می‌بردند. در لاتین دو ریشه‌ی لغوی برای واژه‌ی ایمان (*Faith*) می‌توان یافت. اگر ایمان را از ریشه لاتین *Fiducia* بدانیم از سنخ معرفت نیست و نوعی حالت روحی خواهد بود ولی اگر از ریشه لاتین *Fides* اخذ شده باشد از سنخ علم و آگاهی است. ایمان همواره متوجه یک متعلق ایمانی است و ایمان داشتن به معنای عقیده و باور یقینی داشتن به چیزی است. اگر ایمان دارم منطقا باید ایمان به کسی یا به چیزی داشته باشم، مفهوم اعتماد نیز همین گونه است یعنی بدون این که متعلق مشخصی در نظر داشته باشم اعتماد ممکن نیست. به همین ترتیب ایمان به کسی که به ما نیرنگ خواهد زد

اندیشه‌ی خوبی نیست. ایمان مستلزم متعلق‌ی است که باید در صورت امکان با باورهای ما درباره‌ی آن واقعا تطبیق کند. با این‌همه همواره این احتمال هست که به چیزی ایمان داشته باشیم که حقیقتا یک توهم است. پس باید بین فاعل ایمان و متعلق آن یعنی بین شخصی که دارای ایمان است و متعلق ایمان او فرق بگذاریم. در مورد ایمان دینی ایمان، ایمان به خداست، به طوری که این ایمان تنها اگر خدایی وجود داشته باشد که دارای ماهیتی است که به او نسبت می‌دهند موجه تواند بود. ایمان متضمن این باور است که متعلق مناسبی برای ایمان وجود دارد.

در مسیحیت حداقل دو قرائت از ایمان وجود دارد: الف: دیدگاه کلاسیک که معتقد است خدا در فرآیند وحی سلسله گزاره‌هایی را القا کرده است و اگر چنین مستمسکی از انسان گرفته شود انسان راه دیگری برای دسترسی به آن باورها و گزاره‌ها در اختیار نخواهد داشت، حتی عقل طبیعی در این زمینه ناتوان است، ایمان بدین معنا نوعی شناخت و آگاهی است که متعلق آن گزاره‌ها و باورهای دینی است. ب: دیدگاه مدرن در قبال ایمان این است که خدا از طریق وحی گزاره به انسان نمی‌دهد بلکه وحی تجلی خداست او خود را نشان می‌دهد و بشر با او مواجهه‌ی مستقیم پیدا می‌کند، ایمان در این معنا اعتماد، اطمینان و توکل است.

میرچا الیاده در تعریف ایمان می‌نویسد: «بهترین تعریف برای ایمان این چنین است: اعتماد کردن به مقولاتی که شناخت آنها ممکن نیست و دیده نمی‌شوند، اگر چه این تعریف از کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد بویژه از یک سری رساله‌های گمنام عبری در عهد جدید اما این تعریف هم چنین می‌تواند در یک حوزه‌ی وسیع‌تری از سنتهای دینی و مذاهب دیگر به کار

برده شود.» (The Encyclopedia of religion, Mircea Eliade p:۲۵۰)

همچنین ژیلسون در کتاب عقل و وحی در قرون وسطی ایمان را متعلق اراده می‌داند: «ایمان دینی داشتن به معنای پذیرفتن چیزی است که خداوند آن را وحی کرده است (...). ایمان بنا بر تعریف مقتضی آن است که عقل چیزی را قبول کند که آن را مغایر با اصلی از اصول اولیه عقلی یا یکی از متفرعات ضروری آن می‌داند. در نتیجه فعل ایمان معلول بدهات عقلی نیست بلکه حاصل مداخله‌ی ایمان است.» (ژیلسون، ۱۳۷۱، ص ۵۵)

رابطه عقل و ایمان

ارتباط میان عقل و ایمان به گونه‌های مختلف در اندیشه‌ی فلاسفه‌ی مختلف مطرح بوده و هست. بحث تعارض یا تضاد آن دو یا تقدم یکی بر دیگری از قدیمی‌ترین مباحثی است که از ابتدای تاریخ تفکر بشری برای او سؤال برانگیز بوده است و با گذر زمان و دوره‌های تاریخی مختلف، اشکال متفاوتی به خود گرفته است. بعضی از اندیشمندان این دو را سازگار و موافق می‌دانند برخی ایمان را عقل‌گریز می‌خوانند و برخی دیگر رابطه‌ی عقل و ایمان را پرتعارض و جدال‌آمیز تلقی می‌کنند. مبحث رابطه‌ی عقل و ایمان با ظهور دین مسیح رونق بیشتری یافت و دینداران از یک سو و دین ستیزان از سوی دیگر درباره‌ی هماهنگی یا تعارض عقل و ایمان سخن‌ها گفته و مطالب زیادی نگاشته‌اند.

در این باب برای عقل نقش‌های متفاوتی را بر شمرده‌اند که عبارتند از:

- ۱- نقش عقل در مقام فهم گزاره‌های دینی
- ۲- نقش عقل در مقام استنباط گزاره‌های دینی از متون
- ۳- نقش عقل در انتظام بخشیدن به آن‌ها
- ۴- نقش عقل در مقام تعلیم گزاره‌های دینی

۵- نقش عقل در مقام اثبات گزاره‌های دینی

۶- نقش عقل در مقام دفاع از گزاره‌های دینی.

پر واضح است که جامعه‌ی دینی در مقام استنباط و فهم و تعلیم گزاره‌های دینی از عقل بهره می‌جوید. موافقان و مخالفان دخالت عقل در دین بر این سه کارکرد اتفاق نظر دارند، کارکرد چهارم عقل یعنی انتظام بخشیدن به گزاره‌های دینی نیز چندان محل اختلاف نیست حتی ایمان‌گرایان نیز مجموعه‌ی ناهماهنگی از گزاره‌های دینی را نمی‌پذیرند. انسجام و سازواری درونی میان مجموعه گزاره‌های دینی، کمترین شرط مقبولیت آن نظام است و بدون آن التزام به نظام معارف دینی بی‌معناست، حتی افراطی‌ترین ایمان‌گرایان چون کی‌یرکگارد هر چند ورود دین را با تن دادن به تناقض میسر می‌دانند اما این تناقض در واقع تناقض ایمان دینی با عقل غیر دینی است. گزاره‌های دینی باید به نحوی با هم هماهنگی پیدا کنند، زیرا با وجود ناهماهنگی درونی، التزامی در کار نیست به کدام یک از طرفین می‌توان ملتزم شد؟ البته ایمان-گرایان در مجموعه باورهایشان وجود تناقض را می‌پذیرند اما به زعم ایشان، تناقض داشتن باورهای دینی با باورهای غیر دینی به ایمان دینی لطمه نمی‌زند بلکه زمینه تحقق آن را فراهم می‌آورد.

بنابراین نکته‌ای که در اینجا شایان ذکر است این است که تقریباً هیچ متفکر دینی عقل را به طور کامل رد نمی‌کند، حتی متفکرانی چون پولس قدیس که معتقد است نباید به مکر فلسفه گرفتار شویم و ترتولیانوس که آتن را با اورشلیم بیگانه فرض می‌کند و پاسکال که بر آن است که عقل دلایل دل را نمی‌شناسد، مطلق عقل را قبول دارند.

هشدار پولس متوجه نوع خاصی از تعقل، یعنی حکمت دنیوی است (...). او استفاده از عقل را از آن حیث که عقل است رد نمی‌کند (...). ترتولیانوس نیز علی‌رغم طعن تلخی